

بر دایره معارف خوشنویسی یا دائرة المعارف بزرگ خط

معرفی، نقد و بررسی کتاب دائرة المعارف بزرگ خط

● دلارام کاردارطهران

کارشناس ارشد ایران‌شناسی، نسخه‌شناسی و مرمت نسخه‌های خطی delaramkardar@gmail.com

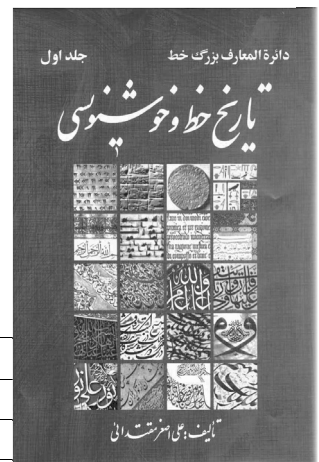
چکیده

جلد اول کتاب دائرة المعارف بزرگ خط با عنوان تاریخ خط و خوشنویسی تألیف علی‌اصغر مقتدائی که در دو مجلد در سال ۱۳۹۴ منتشر شده، مجموعه‌ای است که به تاریخ خط و خوشنویسی در ایران و سایر کشورهای جهان پرداخته‌است. بنا بر اظهارات مؤلف، این کتاب حاصل سال‌ها تحقیق و نگارش و پژوهش بوده و با استفاده از بیش از صد منبع ایرانی و ده‌ها منبع خارجی و مقالات مجلات گوناگون، تألیف شده و نتیجه حاصل، در بیست فصل نمود پیدا کرده‌است، اما متأسفانه این اثر با ساختاری غیردانشنامه‌ای تنظیم شده و مهم‌ترین کمبود آن رعایت نکردن چارچوب مشخص در مدخل‌نویسی است. همچنین برخی مطالب بدون این‌که صحت و سقم‌شان بررسی و سنجیده شده‌باشد، از سایر منابع به این کتاب راه پیدا کرده‌اند. رعایت نکردن ترتیب الفبایی و یا ترتیب تاریخی در ذکر کلیه اسامی، نیاز به بازبینی مجدد برخی مفاهیم، استفاده نکردن از ارجاعات درون‌متنی و نامنظمی در پاورقی‌ها، از جمله ایرادات دیگری است که بر این اثر وارد است.

کلید واژه: دائرة المعارف بزرگ خط، تاریخ خط و خوشنویسی، پیدایش خط در جهان، پیدایش خط در ایران

معرفی مؤلف

علی‌اصغر مقتدائی، دارنده نشان درجه یک هنری، مدرس دانشگاه و عضو انجمن خوشنویسان ایران است. پیش‌تر، کتاب‌هایی نظیر خط و کتابت:



■ مقتدائی، علی اصغر (۱۳۹۴). *دائرة المعارف بزرگ خط: تاریخ خط و خوشنویسی*. تهران: آراد کتاب و مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

مبانی نظری خوشنویسی به همراه ۵۰۰ تست با پاسخ، خودآموز طراحی و نقاشی و شناخت و ارزیابی هنرهای کاربردی اسلامی ایران ۱ و ۲، از این مؤلف منتشر شده است، اما شاید بتوان جدی ترین تألیف وی را *دائرة المعارف بزرگ خط* دانست که به گفته ایشان: «مجموعه حاضر، تاریخ خط و خوشنویسی در ایران و سایر کشورهای جهان است که حاصل ده سال تحقیق و نگارش و هفت سال پژوهش و بازنگری و تطابق دست نوشته ها با منابع اصلی بوده است» (مقتدائی، ۱۳۹۴، ص. سه).

معرفی، نقد و بررسی اثر

جلد اول کتاب *دائرة المعارف بزرگ خط* با عنوان «تاریخ خط و خوشنویسی»، تألیف علی اصغر مقتدائی، در دو بخش و ۱۲۱۲ صفحه، توسط انتشارات آراد در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است. این کتاب به صورت سیاه و سفید به چاپ رسیده، اما شامل پیوستی با عنوان «تصویرهای رنگی» است که از صفحه ۱۰۶۵ کتاب آغاز شده و در صفحه ۱۰۹۲ به پایان می رسد. همچنین، تصاویری در فصل یازدهم کتاب، با عنوان «ابداع خطوط مختلف در ایران» نیز رنگی هستند.

دائرة المعارف بزرگ خط مجموعه ای است که در آن، به تاریخ خط و خوشنویسی در ایران و سایر کشورهای جهان پرداخته شده و حاصل ده سال تحقیق و نگارش و هفت سال پژوهش و بازنگری و تطابق دست نوشته ها با منابع اصلی بوده و با استفاده از ۱۲۰ منبع و و مأخذ ایرانی، ۲۷ منبع خارجی و ۲۳ مجله و نشریه و فصلنامه تألیف شده و نتیجه حاصل در ۲۰ فصل نمود پیدا کرده است (صص سه و چهار) و فصل بندی آن به شرح زیر است:

فصل اول: «آیات و احادیث درباره خط و خوشنویسی»،
فصل دوم: «تاریخ پیدایش خطوط باستانی»،
فصل سوم: «تاریخ پیدایش خط در جهان»،
فصل چهارم: «تاریخ پیدایش خط در ایران»،
فصل پنجم: «پیدایش خط عربی»،
فصل ششم: «خط کوفی»،
فصل هفتم: «خط‌های رایج بعد از کوفی تا اقلام سته»،
فصل هشتم: «اقلام سته»،
فصل نهم: «تعلیق، نستعلیق و شکسته نستعلیق»،
فصل دهم: «ابداع خطوط مختلف»،
فصل یازدهم: «ابداع خطوط مختلف در ایران»،
فصل دوازدهم: «خوشنویسی در مهرسازی و حکاکی»،
فصل سیزدهم: «خط روی سکه‌ها و اسکناس‌ها»،
فصل چهاردهم: «خوشنویسان کشورهای اسلامی»،
فصل پانزدهم: «خط در گرافیک»،
فصل شانزدهم: «اعداد و ارقام»،
فصل هفدهم: «ابزار و ادوات خوشنویسی»،
فصل هجدهم: «آداب خوشنویسی»،
فصل نوزدهم: «زنان خوشنویس»،
فصل بیستم: «کتاب‌شناسی».

این کتاب همچنین، شامل بخش «پیوست» با عناوین «تصاویر رنگی»، «الفبای برخی از اقلام»، «رسالات خوشنویسی»، «مؤلفین کتب تاریخ خط و خوشنویسی»، «منابع و مآخذ» و «فهرست اعلام» است. در بخش «مقدمه» (صص سه تا هشت)، اسامی کتابخانه‌هایی که مؤلف برای تحقیق و پژوهش به آن‌ها مراجعه کرده و یا کتب و آثار آن‌ها را مورد مطالعه قرار داده نیز ذکر شده است. بنابر اظهارات مؤلف در مقدمه کتاب، این اثر نخستین دائرةالمعارف بزرگ خط و خوشنویسی است که در چهار جلد تألیف شده و جلد اول آن، درباره تاریخ خط و خوشنویسی در جهان اسلام است (ص هشت). از این رو، ضروری است تا این اثر با دقت بیشتری بررسی و معرفی شود، زیرا زمانی که کتابی با عنوان «دائرةالمعارف» نامگذاری می‌شود، متخصصان و مخاطبان حرفه‌ای و ریزبین را به سوی خود جلب می‌کند. به‌خصوص، در حوزه‌ای مانند «خط و خوشنویسی» که پیش‌تر نیز تألیفاتی با مضمون مشابه به منظور افزایش بهره‌وری علاقه‌مندان و متخصصان در آن منتشر شده است، مانند *اطلس خط*، تألیف مرحوم حبیب‌الله فضائلی،

کتابشناسی کتاب‌های خطی^۱، تألیف مرحوم مهدی بیانی که به کوشش حسین محبوبی اردکانی در سال ۱۳۵۳ به چاپ رسید و مرحوم بیانی در آن، به توضیح برخی اصطلاحات کتاب‌آرایی پرداخته بود. کتاب دیگری نیز در همان سال، با عنوان لغات و اصطلاحات فن کتابسازی همراه با اصطلاحات جلدسازی - تذهیب - نقاشی^۲ به کوشش نجیب مایل‌هروی، توسط انتشارات بنیاد فرهنگ ایران به زیور طبع آراسته شد. فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی^۳ تألیف دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی که در سال ۱۳۷۳، انتشارات روزنه آن را به چاپ رساند و نخستین فرهنگ تخصصی خوشنویسی در جهان اسلام است و پس از آن، در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۳ به ترتیب، دومین و سومین فرهنگ خوشنویسی در کشورهای لبنان^۴ و ترکیه^۵ انتشار یافت. همچنین، کتاب میراث جاوید: پژوهشنامه خط نستعلیق از ابتدا تا نیمه اول قرن چهاردهم (ه.ق)^۶ تألیف رحیم سلوتی که در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است.

انتظار می‌رود که کتاب مورد بحث، به دلیل داشتن عنوان دائرةالمعارف بزرگ خط جامع‌تر و کامل‌تر از تألیفات و پژوهش‌های صورت گرفته پیشین باشد و از آن جایی که بنا بر اظهارات مؤلف، «مخاطب این اثر محققان و پژوهشگران، دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، خوشنویسان و هنرمندان هستند» (صص. سه و چهار)، در نتیجه، ضروری است که تا حد ممکن، عاری از نقص و کاستی باشد تا بتوان عنوان «دائرةالمعارف» را برازنده آن دانست. اکنون که مخاطبان با این اثر به طور مختصر آشنا شده‌اند، کاستی‌های آن در دو بخش «اشکالات صوری» و «اشکالات محتوایی» ارائه می‌شوند، به امید آن‌که سایر پژوهشگران در تألیفات و پژوهش‌های آتی خود، با دقت و ظرافت بیشتری عمل نمایند.

اشکالات صوری

۱- رعایت نکردن چارچوب مشخص در مدخل‌نویسی: تألیفاتی با عنوان «دائرةالمعارف»، از آن دسته کتاب‌هایی نیستند که مخاطبان، آن‌ها را به دست گرفته و از صفحه اول شروع به مطالعه نمایند، بلکه کتاب‌هایی که از آن‌ها با عنوان «مرجع» یاد می‌شود، منابعی هستند که در صورت نیاز، به منظور فراگیری و آشنایی با مفاهیمی خاص به قسمت‌های مشخصی از آن رجوع می‌شود. پس ضروری است در تألیف و تدوین آن‌ها نکاتی رعایت شود تا دسترسی به مفاهیم و مطالب مورد نیاز، با سهولت و سرعت بالا انجام شود. متأسفانه در تنظیم مدخل‌ها و مطالب کتاب مورد بحث، چهارچوب و ساختار مشخصی رعایت نشده تا مراجعه‌کننده بتواند، به آسانی

پاسخ سؤالات خود را پیدا کرده و به مطالب مورد نیازش دسترسی یابد. با مراجعه به فهرست کتاب، درمی یابیم که در ارائه مطالب، هیچ گونه ترتیبی، چه الفبایی و چه زمانی و تاریخی، رعایت نشده است. به عنوان مثال، دانشجویی می خواهد درباره «خط پالمیری» اطلاعاتی به دست بیاورد، به فهرست کتاب رجوع کرده و مشاهده می کند که مدخل ها به ترتیب الفبا تنظیم نشده اند و او باید تمام فهرست کتاب را به دقت مطالعه نماید تا در فصل چهار با عنوان «تاریخ پیدایش خط در ایران»، اطلاعات مورد نظر خود را بیابد. در همین خصوص، به مثالی دیگر توجه نمایید: محقق نیازمند به جمع آوری اطلاعات در خصوص یکی از ابزارهای خوشنویسی است. وی پس از مراجعه به بخش «ابزارهای نوشتاری» در صفحه ۹۰۶ کتاب، درمی یابد که انواع قلم ها و ابزارها به ترتیب الفبایی تفکیک نشده اند و مخاطب برای یافتن توضیحی درباره یک نوع قلم خاص، باید تمام این متن را مطالعه نماید. مدخل های فصل پانزدهم با عنوان «خط در گرافیک»، نه به ترتیب تاریخ هستند، نه به ترتیب الفبا و نه موضوع! و پس از «سابقه چاپ در ایران»، بحث «چاپ سربی»، «چاپ سنگی» و پس از آن مدخل «طرز کار چاپ سنگی» مشاهده می شود، در حالی که در خصوص طرز کار «چاپ سربی»، هیچ توضیح مجزایی ارائه نشده است. مدخل بعدی، بحث «کتاب آرایی» است، اما منظور از آن چیست؟ آیا توضیح درباره کتاب آرایی در چاپ سنگی است؟ و سپس بحث در خصوص «تایپوگرافی» یا «حروف نگاری»، با مدخل هایی مانند «اهداف تایپوگرافی»، «طراحی حروف و خطوط گرافیکی» و ... آغاز می شود.

۲- رعایت نکردن ترتیب الفبایی و یا ترتیب تاریخی در ذکر کلیه اسامی: از صفحه ۷۷۵ کتاب، فصل «خوشنویسان کشورهای اسلامی» آغاز می شود که در آن، اسامی خوشنویسان به تفکیک هر کشور ارائه شده است، اما نام کشورها از ترتیب الفبایی پیروی نمی کند: ترکیه، عراق، سوریه، مصر، عربستان، پاکستان، افغانستان، فلسطین، امارات متحده عربی و ... علاوه بر این، اسامی خوشنویسان ذکر شده در مدخل هر کشور نیز به ترتیب الفبایی نیامده و در عوض، ترتیب آن ها بر مبنای سال فوت هر خوشنویس است. در نتیجه، این گونه انتظار می رود که مراجعه کنندگان به این کتاب، جهت دسترسی به اطلاعات خوشنویسی خاص، نیازمند آن هستند که نخست، ملیت او و سپس سال فوتش را بدانند. این در حالی است که سال فوت برخی از خوشنویسان به تاریخ میلادی و برخی به تاریخ قمری آمده و همگام سازی در تاریخ ها صورت نگرفته است. به عنوان مثال، در صفحه ۸۰۶، سال فوت مکاوی، کباره و محمدابراهیم علی، به میلادی و سایر خوشنویسان، به

هجری قمری هستند. این اغتشاش در فصل «زنان خوشنویس» (ص. ۱۰۰۳) نیز مشاهده می‌شود. افزون بر این که ملیت زنان خوشنویس نیز مشخص نشده و تنها اسامی آن‌ها پشت سر هم آمده‌است.

۳- ارجاعات در متن: یکی از مهم‌ترین دلایلی که وجود «منابع و مراجع»، پژوهش را برای کاربران، مفید و کاربردی می‌نماید، ارجاع درون‌متنی مطالب است، زیرا این‌گونه است که پژوهشگر می‌تواند دریابد که هر مطلب از چه کتابی گرفته شده و در صورت نیاز، به منبع اصلی رجوع نماید، اما در صورت عدم ارجاع درون‌متنی در پژوهش‌ها، منابعی که نام آن‌ها در انتهای هر کتاب آورده‌شده، نیمی از کاربرد خود را از دست می‌دهند. در کتاب مورد بحث، عدم هماهنگی در ارجاع‌دهی درون‌متنی مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، در صفحه ۸۷۹، از «تاریخ پیدایش ابزار و مواد نوشتاری» صحبت شده، اما ارجاع درون‌متنی در خصوص این مطالب تاریخی مشاهده نمی‌شود. در حالی که در صفحه ۹۲۶، ارجاع‌دهی به صورت (David Chibbett, The History of Japanese printing and book illustration)

و در صفحه ۹۲۷، ارجاع درون‌متنی به «الفهرست» به صورت (الفهرست، ص ۳۶) مشاهده می‌شود. این نشان می‌دهد که ارجاعات درون‌متنی در اثر مذکور، هماهنگ نیستند و همچنین، در بخش‌هایی که ارجاع داده شده، شیوه ارجاع‌دهی درون‌متنی یکسان نیست؛ برخی از ارجاعات شامل نام مؤلف و نام کتاب هستند و برخی، تنها نام کتاب و شماره صفحه را دارند.

۴- ارجاعات در پاورقی: نحوه استفاده از «پاورقی» در این اثر مخدوش است. معمولاً در پاورقی‌ها، معادل لاتین اسامی اشخاص، کتاب‌ها و اصطلاحات ذکر می‌شود. در حالی که در کتاب مورد بحث، هدف استفاده از پاورقی، مشخص نشده‌است. به طور مثال، در صفحه ۹۵۷ کتاب، در توضیح «چلیپا» واژه انگلیسی CROSS در متن آورده شده‌است. در حالی که در صفحه ۹۲۴، واژه معادل «طومار» به انگلیسی، در پاورقی و در همان صفحه، معادل انگلیسی سلولز و توضیحاتی درباره آن در پاورقی مشاهده می‌شود.

۵- زیرنویس تصاویر: در ارائه توضیحات ذیل تصاویر کتاب، بی‌نظمی و اغتشاش مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد، این توضیحات قاعده‌مند نیستند. بنابر اظهارات مؤلف در مقدمه کتاب، تصاویر آن برگرفته از «کتب خوشنویسی ایرانی و خارجی و منابع معتبر، مجموعه‌های شخصی موزه‌ها، تصاویر گرفته‌شده توسط مؤلف، مجموعه شخصی مؤلف و اینترنت» (صص پنج و شش) هستند، در حالی که در بسیاری از موارد، توضیحات مؤلف در خصوص منبع تصاویر در زیرنویس آن‌ها مخدوش است. مثلاً در صفحه ۷۸۳، منبع تصویر شماره ۱۷۷۸، «موزه آثار اسلامی ترکیه» است، اما تصاویر

۱۷۷۹ و ۱۷۸۰ فاقد توضیح درباره منبع هستند. همچنین، در صفحه ۷۸۴، در زیرنویس تصویر شماره ۱۷۸۲ مشاهده می‌شود که توضیح درباره منبع تصویر، بدین صورت آمده است: «کتابخانه طوپ قاپی سرای استانبول، ۱۲۹۴ ه.ق. (فن الخط)». از این توضیحات این گونه استنباط می‌شود که منبع تصویر، کتاب «فن الخط» است و در این صورت، نیازی نیست که به محل نگهداری قطعه خوشنویسی اشاره شود، مگر در ذیل تمام تصاویر کتاب. به طور کلی، توضیحاتی که در ذیل تصاویر آورده شده، یکدست نیستند. بدین صورت که در صفحه ۳۹۶، منبع تصویر شماره ۶۹۵ ذکر شده، اما در تصویر بعدی به شماره ۶۹۶، نام منبع اثر مشاهده نمی‌شود و در تصویر بعد، محل نگهداری قطعه خوشنویسی ذکر شده و نه منبع آن! در سه تصویر مذکور، تنها توضیح مشترک درخصوص نوع خط است و حتی نام خوشنویس در تصویر ۶۹۷ نیامده است، در حالی که بر خلاف دو تصویر پیشین، به موضوع آن که «آغاز سوره مریم» است، اشاره شده است. این عدم هماهنگی و پیروی از نظم خاص در خصوص زیرنویس تصاویر، در تمام کتاب مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، نقصان در اشاره به منابع در تصاویر شماره ۱۸۸۴، ۱۸۸۵، ۲۱۶۸، ۲۱۷۸. از این رو، ضروری است تا تمام تصاویر کتاب شامل توضیحاتی در خصوص «نوع خط»، «نام خوشنویس»، «تاریخ»، «موضوع»، «محل نگهداری» و «منبعی که تصویر از آن گرفته شده» باشند.

۶- کتاب نامه: در فصل بیستم (ص. ۱۰۲۷) که عنوان آن «کتاب شناسی» است، فهرستی مفصل از کتاب‌ها و رسالات خط و خوشنویسی تنظیم شده که بسیار مفید و سودمند است، اما از صفحه ۱۰۴۷ تا صفحه ۱۰۶۲، جدولی تحت عنوان «فهرستی از کتب خطی و چاپی به کتابت خوشنویسان (قدما و معاصران)» در شانزده صفحه تهیه شده که دارای دو ستون با عناوین «نام کتاب» و «خوشنویس» است و متأسفانه، این جدول نمی‌تواند، به مخاطبان در دسترسی به نسخه‌ها و کتاب‌ها کمک چندانی بکند، زیرا محل نگهداری و شماره بازبایی نسخه‌های خطی و همچنین، نام انتشارات و سال انتشار کتب چاپی در آن ذکر نشده است.

۷- نیاز به ویرایش: بازبینی مجدد برای رفع اشکالات نگارشی ضروری است. به عنوان مثال (ص پنچ)، «تاریخ پیدایش مواد و ...» پرانتزی باز شده که انتهای آن بسته نشده است و یا در صفحه ۸۳۹، عنوان به طور اشتباه «خط در گریفیک» نوشته شده و «الف» در واژه «گرافیک» جا افتاده است.

۸- نیاز به تصویر: تعداد تصاویر استفاده شده در این کتاب، زیاد است و مخاطبان می‌توانند از این تصاویر استفاده کافی ببرند، اما ذیل تعریف برخی مفاهیم، جای خالی تصویر به جهت کمک به درک مطلب توسط مخاطبان

مشاهده می‌شود. مثلاً سطح و دور، صعود مجازی، صعود حقیقی در صفحه ۹۴۳.

اشکالات محتوایی

۱- **ابهام در عنوان کتاب:** عنوان اصلی کتاب *دائرةالمعارف بزرگ خط* است که در نگاه نخست، مخاطب را گیج می‌کند، از این رو که آیا منظور «خط» است یا «خوشنویسی». در حالی که عنوان فرعی کتاب، *تاریخ خط و خوشنویسی* است و از سوی دیگر، مؤلف در صفحه هشت از مقدمه کتاب اظهار کرده است: «این نخستین دائرةالمعارف بزرگ خط و خوشنویسی است که در چهار جلد تألیف گردیده و جلد اول آن درباره تاریخ خط و خوشنویسی در جهان اسلام است، اما با نگاهی گذرا به فهرست مطالب، درمی‌یابیم که مطالب این کتاب، تنها درباره جهان اسلام نیست!

۲- **پیشینه پژوهش:** با توجه به این که در خصوص هنر «خوشنویسی»، تاکنون پژوهش‌های متعددی در قالب تألیف، ترجمه، مقاله و پایان‌نامه صورت گرفته است، ضروری است تا محققان قبل از شروع هر پژوهشی، پیشینه آن را بررسی کرده و در ابتدای اثر خود، به صحبت درباره پژوهش‌های قبلی بپردازند. این عمل سبب آگاهی مخاطبان شده و بر ارزش اثر نیز می‌افزاید، اما متأسفانه، در این اثر بخشی با این عنوان مشاهده نمی‌شود.

۳- **نیاز به بازبینی مجدد برخی مفاهیم:** در این خصوص ضروری است تا به برخی نکاتی که در بررسی کتاب مشاهده می‌شود، بپردازیم تا با ویرایش و تغییراتی در چاپ بعدی اثر، از گمراهی مخاطبان جلوگیری شود: الف) هنگامی که مخاطب در این اثر، مدخلی با عنوان «خط بریل» مشاهده می‌کند، این توقع در او ایجاد می‌شود که قرار است، با اثری جامع و کامل مواجه شود، در صورتی که به عنوان مثال، مدخل «خط توأمان» مشاهده نمی‌شود.

ب) در این کتاب، دو مدخل با عناوین «نقاشی خط» و «نقاشی خط» مشاهده می‌شود، اما در جستجو در فهرست کتاب مدخلی با عنوان «خط نقاشی» را نمی‌توان یافت، در حالی که اصطلاح جدید «خط شکلی» به جای «خط نقاشی» استفاده شده و این اصطلاحی تازه و نوظهور است. ج) در این کتاب از رساله‌ای به نام «رسالة خط» از «جعفر بایسنغری» یاد شده (صص. ۶ و ۹) در حالی که چنین رساله‌ای وجود ندارد^۷ و این اشتباه، در کتاب *اطلس خط*، تألیف استاد حبیب‌الله فضائلی نیز مشاهده می‌شود و این گونه است که برخی از سهوها و غلط‌ها بدون بازبینی، از منابع دیگر به این کتاب راه پیدا کرده است.

د) در صفحه ۳۲۶، مدخلی با عنوان «ملیله دوزی» مشاهده می‌شود که

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۵
بهار ۱۳۹۸



به هیچ وجه، به ارتباط میان این هنر و خوشنویسی و کتیبه‌نویسی اشاره نشده، در این صورت، چه نیازی به آوردن چنین مدخلی در دائرةالمعارف خط و خوشنویسی است؟ و یا در مدخل «خط و کتیبه در نقده دوزی» (صص. ۹۰۲ و ۹۰۳) دلیل ارائه توضیحاتی چنین مفصل در خصوص این هنر چیست؟ (ه) در فهرست رسالات خوشنویسی که از صفحه ۱۱۱۳ آغاز می‌شود، مشاهده می‌شود که به دو نسخه رساله «آداب المشق»، یکی از باباشاه اصفهانی و دیگری از میرعماد حسنی، صحبت به میان آمده، در حالی که از جهت علمی، یک رساله تنها می‌تواند یک مؤلف داشته باشد که آن هم، با توجه به نسخه چاپ شده آن توسط انتشارات پیکره (۱۳۹۱)، باباشاه اصفهانی است. (و) همچنین، غلط‌خوانی‌هایی در متن کتیبه‌ها و قطعات مشاهده می‌شود که نیازمند بررسی مجدد است، از جمله، تصویر ۴۷۶ در صفحه ۳۱۶ که رقم درست کاشی «عمل ابن محمد مومن، محمد امین» است که در اینجا «محمد ابن محمد امین مقامی» خوانده شده و سبب شده که به شخص دیگری تبدیل شود!

نتیجه‌گیری

امروزه، با توجه به گسترش راه‌های دسترسی افراد به منابع و موضوعات مختلف، آگاهی و دانش مردم رو به افزایش است. از این رو، نیاز است پژوهش‌هایی که در زمینه‌های مختلف صورت می‌گیرند، تا حد امکان با وسواس انجام شوند تا کاستی‌ها به حداقل برسند. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی که استادان دانشگاه و دانشجویان در زمینه خوشنویسی و کتاب‌آرایی انجام می‌دهند، هنر خوشنویسی را وارد مرحله جدیدی کرده و دوره پژوهش‌های سنتی و گاه، بدون الگو و پشتوانه علمی به اتمام رسیده‌است. از این رو، علاقه‌مندان به پژوهش می‌بایست از استانداردهای تألیف مقاله و کتاب در جامعه علمی امروز آگاهی یابند و آن‌ها را تحقیق‌های خود به کار برند. همچنین، ضروری است تا تحقیقات با صبر و بردباری در یک زمینه خاص انجام شوند و با دقت، به جزئیات پرداخته‌شود تا مخاطبان در مواجهه با نتایج پژوهش، گیج و سردرگم نشوند و بتوانند از اثری که در دست دارند، حداکثر استفاده را بنمایند.

تعریف دقیق موضوع، انگیزه و هدف تألیف و اشاره به پژوهش‌های مشابه از نکات ضروری این دست از آثارند و می‌تواند، نشانگر انصاف علمی نویسنده باشد. این کتاب با بازبینی نکات یاد شده و ویرایش دقیق علمی و ادبی، می‌تواند برای مخاطبان و علاقه‌مندان خوشنویسی و هنرهای ایرانی - اسلامی سودمند باشد.

پی‌نوشت

۱. بیانی، مهدی (۱۳۵۳). کتابشناسی کتاب‌های خطی. به کوشش حسین محبوبی اردکانی. تهران: انجمن آثار ملی.
۲. مایل‌هروی، غلامرضا (۱۳۵۳). لغات و اصطلاحات فن کتابسازی؛ همراه با اصطلاحات جلدسازی، تذهیب، نقاشی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳. قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۳۷۳). فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته. تهران: روزنه.
۴. البهنسی، عقیف (۱۳۷۴). معجم مصطلحات الخط العربی و الخطاطین. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
5. Ozonder, Hasan. (2009). *Ansiklopedik Hat Ve Tezhip Sanatlari Deyimleri Terimleri sozlugu*. Konya: Nuve Kultur Merkezi.
۶. ر. ک به مقاله «پژوهش در خط نستعلیق، امری سهل و ممتنع» از کاوه تیموری. کتاب ماه هنر. فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶.
۷. ر. ک به مقاله «بررسی اصالت رساله‌ نداشته جعفر بایسنغری» از حمیدرضا قلیچ‌خانی. تندیس. شماره ۳۷۸-۳۷۹. آذر ۱۳۹۷، که به تازگی به انتشار رسیده و در آن در خصوص عدم وجود چنین رساله‌ای صحبت شده است.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۵
بهار ۱۳۹۸

۱۱۲